بسم الله الرحمن الرحیم. درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری 1 اردیبهشت 1397.

خب در مورد شک در شبهه محصوره و غیر محصوره بودن یک شبهه بحث می کردیم. عرض شد در واقع کلمه شبهه محصوره و شبهه غیر محصوره که در دلیلی وارد نشده است. یک نکته ای باعث شده است که در این شبهه غیر محصوره علم اجمالی منجز نباشد. شکد ر این هست که این نکته در یک شبهه ای وجود دارد یا خیر. بنابراین باید با توجه به نکته های مختلفی که برای عدم تنجیز علم اجمالی گفته اند بحث را دنبال کنیم. خب یکی از این نکته ها که از جهاتی شبیه نکته ای است که ما دنبال می کردیم نکته ای است که مرحوم آقای نائینی آن نکته را اشاره فرمودند. فرمودند که در شبهه غیر محصوره چون مخالفت قطعیه ممکن نیست در نتیجه اجرای اصل در جمیع اطراف چون بهم خالفت قطعیه نمی انجامد بنابراین محذوری ندارد. اصل مبنای مرحومن ائینی در شبهه محصوره این است که علم اجمالی نسبت به حرمت مخالفت قطعیه تنجیز می کند. وجوب موافقت قطعیه در اثر تعارض اصول هست. این مبنای کلی مرحوم نائینی است. خب در شبهه غیر محصوره ایشان این طوری تعریف می کند شبهه ای که در آن مخالفت قطعیه امکان پذیر نباشد. اگر در شبهه غیرمحصوره مخالفت قطعیه امکان پذیر نیست با امکان پذیر نبودن مخالفت قطعیه حرمت مخالفت قطعیه معنا ندارد. چون احکام متوقف بر قدرت اند چیزی که غیر مقدور است حرام نمی تواند باشد. حرام که نشد حرمت مخالفت قطعیه نمی آورد. اما وجوب مخالفت قطعیه بگوییم به جهت تعارض اصول است تعارض اصول هم به جهت ترخیص در مخالفت قطعیه اصول تعارض میکنند. وقتی مخالفت قطعیه امکان پذیر نشد شارع نه تنها ترحیم نمی تواند کرده باشد نمی تواند ترخیص هم بدهد. ترخیص در مخالفت قطعیه مثل تحریم مخالفت قطعیه هر دو به شرط قدرت معقول است. بنابراین اصول در شبهه غیرمحصوره تعارض نمی کنند. تعارض که نکردند همه اصول جاری می شود. که روح قضیه این است که این که می گوییم اصول جاری می شود یعنی به نحو مشروط جاری می شود. اصول در هر طرف جاری می شود به شرط عدم ارتکاب طرف آخر. چون اگر طرف آخر را مرتکب شویم فرض کنید اگر حالا شبهه غیر محصوره به جایش ما شبهه محصوره ای بگیریم که قدرت بر آن نباشد این طوری بگوییم که راحت تر باشیم. اگر دو اصل داشته باشیم که جمع بین متعلّق این اصل ها امکان پذیر نباشد. ما می دانیم که یا این شیء خمر است حرام است یا آن یکی خمر است حرام است. و من مضطر هستم که یکی از اینها را مرتکب شوم. بیشتر از مضطر اصلا یکی از اینها را خواه ناخواه به صورت قهری مرتکب می شوم. البته نمی توانم هر دو را مرتکب شوم. آن طرف قضیه. دو تا چیز هست نمی توانم هر دو را بیاشامم. شکمم جا ندارد برای خوردن هر دو خمر ها. می توانم هیچ کدامش را نخورم مخالفت قطعیه امکان پذیر هست ولی مخالفت قطعیه امکان پذیر نیست. اینجا در واقع معنای ترخیص این است که اگر دیگری را نخوردی این را می توانی بخوری. و الا اگر دیگری را خوردی که مقدورت نیست این را بخوری دیگر تمام شده است. معنای ترخیص ترخیص در فرض عدم ارتکاب طرف آخر است. در فرض ارتکاب چون قدرت بر ارتکاب این طرف را نداریم دیگر ترخیص هم نیست. این ترخیص اشکالی ندارد در فرض عدم ارتکاب آن طرف این طرف را می توانی ارتکاب کنی. در فرض عدم ارتکاب این طرف آن طرف هم هیچ چیزی هم نیست. هر دو را ما مجاز هستیم و در البته این به این نحو اصل جاری کردن در مواردی که قدرت بر امتثال وجود دارد به نحو مشروط اصل جاری کردن محذوراتی دارد که بعدا اشاره می کنم که چیست. همان شبهه تخییری که در بحث تنجیز علم اجمالی هست همین است که قبلا هم اشاره کردیم که شبهه ترخیص ناتمام است ولی در اینجا شبهه تخییر مشکلی ندارد. آن بحث هایی که آنجا هست

سؤال:

پاسخ: این جاها غیر عرفی نیست آن جاها غیر عرفی است حالا تازه اینهایی که می خواهیم بگوییم می خواهیم بگوییم روح قضیه به اینجا بر میگردد. نمی خواهیم بگوییم که دقیقا دلیل مسستقیما نه ترجیح بلا مرجح است نه چیز دیگر بحث نکته دیگری که ما مطرح می کردیم که اینجا هم نیست حالا آن را من بعدا بحثش را تفصیلا

بگذارید همین جا هم عرض کنم ما در واقع در بحث شبهه تخییر یک بحث این است که شما چرا اصل را در هر طرف به نحو مطلق جاری می کنید؟ در هر طرف اصل را به شرط عدم ارتکاب طرف آخر اجرا کنید. این که محذوری ندارد هر دو را هم اجرا کنید نتیجه اش این است که ترخیص در مخالفت احتمالیه دادن. عدم وجوب موافقت قطعیه فرض این است که ما علم اجمالی مستقیما وجوب موافقت قطعیه را اثبات نمی کند. حرمت مخالفت قطعیه را اثبات می کند. دو تا ترخیص مشروط به عدم ارتکاب طرف آخر هیچ محذوری ندارد. این را چرا قائل نمی شوید؟ خب پاسخ هایی شهید صدر داده اند این را با اصل های دیگری معارض گرفته اند آن پاسخ ها به نظر ما غیر عرفی است عمده قضیه ای که اینجا به نظر ما چیز هست این است که اصل اطلاق احوالی دلیل نسبت به هر طرف با اطلاق احوالی نسبت به طرف دیگر معارضت دارد. یعنی این که ما بگوییم ادله ترخیصیه اصلا موارد علم اجمالی را شامل نمی شود با این که موارد علم اجمالی را شامل می شود و اطلاق احوالی در دو دلیل مقیّد می شود هر دو یک مقدار مخالفت ظاهر دارد. هر دو شان دو تا اصل را ما کنار گذاشتیم یکی این که دو تا اصاله الاطلاق افرادی را کنار گذاشتیم بنا بر یک فرض بنا بر فرض دیگر این که دو تا اصاله الاطلاق احوالی را کنار گذاشتیم. در واقع این اینگونه است که محذور.

این شبهه ای که آنجا است. ولی در ما نحن فیه این شبهه نمی آید. چون در ما نحن فیه به دلیل این که اطلاق دلیل غیر مقدور است اصلا از اول اطلاق ندارد. اطلاق احوالی اصلا وجود ندارد.. به دلیل این که هر کدام از اینها را بگوییم بر فرض اتیان دیگری هم این را می خواهیم بگوییم مجاز هست بر فرض اتیان دیگری مقدور من نیست. پس اطلاق احوالی اصلا وجود ندارد. چون غیر مقدور است اطلاق احوالی. بنابراین محذوری نیست. پس اخذ به اطلاق افرادی بلامانع است. این است که اینجا فرق دارد با سایر موارد. اصل تقریبی که مرحوم نائینی ذکر می کنند تقریب تمامی است. ولی خیلی از موارد شبهه غیر محصوره را هم پوشش می دهد ولی آیا حتما ما شبهه غیر محصوره باید این طوری معنا کنیم یا می توانیم یک مقداری گسترده تر معنا کنیم که ما عرض می کردیم ممکن است بحث قدرت نیست جاهایی که قدرت هم هست ولی داعی متعارف بر ارتکاب نیست آنجا هم اطلاق دلیل نمی گیرد. ما تقریبا همان کلام مرحوم نائینی را یک مقداری اوسع در واقع بیان می کردیم. این بود که عرض کردم عرض ما تا حدود زیادی الهام گرفته از فرمایش مرحوم نائینی است. خب حالا این اصل بحث. خب حالا در مواردی که شک داریم که شبهه ما محصوره است یا غیرمحصوره است. یعنی شک داریم بر قدرت امتثال و عدم قدرت بر امتثال. این چطوری باید مشی کنیم؟ آقای صدر یک مجموعه بحث هایی مطرح می کنند و اینها بحث مرحوم آقا ضیاء را مطرح می کنند که اینجا مجرای احتیاط است چون شک در قدرت است آنجا بحث می کنند آن تکه های بحث را من حذف می کنم بعد خودشان در تحقیق در مسئله روی احتمالات مختلف بحث را دنبال می کنند آن تکه ای که خود ایشان روی آن تکیه دارند را من می خواهم مطرح کنم منتها آن تکه یک مقداری هم در بعضی مراحلش آقای هاشمی ان قلت هایی دارند می خواهم آن تکه را مطرح کنند و ان قلت هایی که آقای هاشمی مطرح می کنند را مطرح کنم. این بحثی را که می خواهیم دنبال کنیم. آريالای صدر این طوری می فرمایند که در واقع ما اینجا شک در شبهه محصوره بودن و شبهه غیرمحصوره بودن بازگشتش به این است که شک اصلا اگر شبهه محصوره باشد دلیل ما مقیّد شده است چون دلیل اصل ترخیصی مقیّد به این است که اصل اجرای اصل ترخیص در مخالفت قطعیه نباشد. اگر شبهه محصوره باشدترخیص در مخالفت قطعیه هست. اگر شبهه غیرمحصوره باشد ترخیص در مخالفت قطعیه نیست. پس بنابراین ما در واقع شک ما شبهه موضوعیه این مخصص است. هر دلیلی تخصیص خورده است آن دلیل اصل به عدم استلزامش نسبت به مخالفت قطعیه. کل شیء لک حلال یک مقید و یک مخصصی دارد یک قید دارد آن قید این است که اجرای اصل در دو طرف به ترخیص در مخالفت قطعیه نیانجامد. ما نمی دانیم اجرای اصل در دو طرف به ترخیص در مخالفت قطعیه می انجامد یا نمی انجامد. پس بنابراین شبهه مصداقیه این مخصص است. و در شبهه مصداقیه حالا چه مخصص متصل باشد چه منفصل باشد نمی شود به اصل تمسک کرد. چون مخصص متصل به اصطلاح ظهور دلیل اظهار نشده است در مخصص منفصل حجّیّت دلیل در غیر صورت قید وجود ندارد. خب بحث های این در جاهای دیگر شده است. بعد ایشان می گوید که مگر این که شما بگویید اینجا مخصص لبی است. و ما در مخصص لبی یا به طور کلی قائل هستیم در شبهه مصداقیه اش می توانیم به اصل مراجعه کنیم یا لا اقل در جایی که مخصص لبّی منفصل باشد آنجا می توانیم تمسک کنیم. اگر آن باشد این داخل در این است که خب این مخصص لبی است و چون مخصص لبی است باید دید این را مخصص متصل فرض می کنیم یا منفصل فرض می کنیم امثال اینها اگر منفصل باشد بنا بر هر دو مبنایی که اینجا مطرح است می شود به ان تمسک کرد اگر متصل باشد خب نمی شود. بنابراین این داخل در آن بحث ها است که اینجا در واقع شک مصداقی است در مخصص دلیل. داخل در آن مبانی ای که آنجا وجود دارد. این چکیده مطلب ابتدایی ایشان. بعد ایشان با یک بیاناتی می خواهند کلام اینجا را بگویند که ما می توانیم اینجا به اصل تمسک کنیم. ولو در مخصص کأنّه داخل در آن بحث ها نکنیم یک سری بیاناتی دارند دو بیان دارند یک بیانش را در موردش صحبت می کنیم یک بیانش خیلی تقدیری است بنا بر ان قلت و قلت ها و اینها هست آن را کار ندارم ولی یک بیانش را که قابل توجه است را بحث خواهیم کرد. اما اصل این مطلب که اینجا دلیل مقید شده است به یک مخصصی که حالا مخصص حالا بحث بکنیم لفظی است لبی است امثال اینها. در جلسه قبل اشاره کردم که چه مخصص لفظی باشد چه لبّی باشد این که بتوانیم به اصل تمسک کنیم یا نتوانیم متوقف است بر این که آن عام ما به وسیله آن مخصص عنوان پیدا می کند یا خیر. حالا لفظی باشد لبی باشد متصل باشد منفصل باشد اینها خیلی در این بحث اصلا دخالت ندارد. تمام این بحث ها وابسته به همین یک نکته است که آیا عام به وسیله آن مخصص عنوان پیدا می کند یا خیر. یعنی چه؟ یعنی ببینید الآن آقای صدر می فرمایند که دلیل اصل مقید است به یک قیدی و آن این است که مستلزم ترخیص در مخالفت قطعیه نباشد. ما می خواهیم بگوییم واقعا دلیل ما معنون به این عنوان شده است یا این که نه مواردی که دلیل مستلزم ترخیص در مخالفت قطعیه است این دلیل تخصیص خورده است. تخصیص افرادی نه تخصیص عنوانی. اگر تخصیص افرادی خورده باشد خب مواردی که یقین داریم تخصیص خورده است از تحت آن خارج است موارد شک شک داریم که تخصیص خورده است یا نخورده است به اصل می شود تمسک کرد. ولی اگر نه عنوان پیدا کرده باشد خب دلیل ما حالا یا ذاتا یا حجیهً مقیّأ به یک عنوانی شده است. حالا متصل باشد ظهور ذاتا مقیّد می شود منفصل باشد حجّیّتش مقیّد می شود. ما در واقع مقیّد به این عنوان هست و تا احراز نکنیم که این عنوان در جایی موجود است نمی شود به اصل تمسک کرد. این کلیت بحث. اما این که چطوری بفهمیم که آیا عنوان می گیرد یا خیر وابسته به این است که عدم یعنی شارع مقدس نسبت به این مخصص ما فحص کرده است و عدم وجود مخصص در موارد را تضمین می کند یا نمی کند. ما قبلا عرض کردیم گفتیم که فرق است بین موارد مثلا ملاکات و شک در قدرت. چک در مقدور بودن. درست است که الصلوه یعنی اگر صلوه ای ملاک نداشته باشد واجب هم نیست. اگر صلوه ای مقدور هم نباشد واجب نیست. هر دو اینها بر فرض عدم مقدوریّت واجب نیست بر فرض عدم واجدیّت ملاک هم واجب نیست. ولی با هم فرق دارد. شارع نسبت به عدم واجدیت ملاک تضمین مید هد نه عدم واجدیت ملاک نیست واجدیت ملاک دارد. ولی نسبت به عدم مقدوریت تضمین نمی دهد می گوید شاید مقدور باشد شاید نباشد من این را کار ندارم معنای این که شارع کار ند ارد این است که قید زده است. الصلوه المقدوره واجبهٌ. آن چیزی که در جعل شارع اخذ شده است مقدوریّت است. قید مقدوریت در موضوع جعل شارع اخذ شده است. ولی واجدیت ملاک در موضوع جعل شارع بعنوانه اخذ نشده است. برای مواردی که خارجا من می دانم که واجد ملاک نیست. آنها از تحت دلیل خارج است. حالا آن ها هم یک ان قلت و قلت هایی کدارد که نمی خواهم واورد همه بحث های ملاک و آنها بشوم. یک بحث هایی آنجا هست که آنها هم ممکن است بعضی تفاوت هایی داشته باشد. بنابراین نتیجه این بحث این است که باید دید که آیا شارع تضمین می کند عدم وجود مخصص را در موارد عام یا تضمین نمی کند. خب ما اینجا آقای صدر می فرمایند که ادله اصول ترخیصیه مقیّأ شده اند به عدم استلزام نسبت به ترخیص در مخالفت قطعیه ببینید استلزام نسبت به ترخیص در مخالفت قطعیه و عدم استلزام نسبت به ترخیص در مخالفت قطعیه در ما نحن فیه از کجا ناشی می شود؟ روی مبنای مرحوم نائینی؟ از اینجا ناشی می شود که مخالفت قطعیه مقدور هست یا نیست.و اگر مخالفت قطعیه مقدور باشد ترخیص در مخالفت قطعیه نباید باشد. اگر مقدور نباشد ترخیص در مخالفت قطعیه اصلا موضوع ندارد. چون مخالفت قطعیه حکم ندارد که اینجا ترخیص در مخالفت قطعیه باشد. پس بنابراین این قیدی که اینجا هست بازگشت به این می کند که مخالفت قطعیه در اینجا مقدور هست یا نیست. و شارع مقدس نسبت به مقدوریت و عدم مقدوریت تضمین نکرده است. آن مقدمه چینی هایی که در بحث قبلی آورده بودیم و اینها

سؤال: بحث ارتکاز مناقضه شهید صدر

پاسخ: شبیه همان ارتکاز مناقضه است و با این نکته که در واقع بحث ها شبیه آن است ولی آن مقدماتی که در بحث های قبلی آورده ام در مورد عنوان دادن و عدم عنوان دادن و بعضی از مثال هایی که آورده بودم همه آنها مقدمه بود بر این که اینجا این مطلب را روشن کنیم. که اینجا عنوان داده می شود یعنی در واقع توضیح به یک معنا کلام آقای صدر می شود. یعنی این اشکال به کلام اقای صدر نیست.

سؤال:

پاسخ: عدم تمسک دیگر. در نتیجه ما آقای صدر هم می گوید که نمی شود تمسک کرد. ما می خواهیم بگوییم که اینجا نمی شود تمسک کرد البته آقای صدر یک تفصیلاتی داده است که در مخصص لبی بتوانیم یا خیر این از آن مخصص های لبی ای است که نمی شود تمسک کرد.

سؤال:

پاسخ: روی مبنای خودشان که بحث را دنبال نمی کنند. بحث روی مبنای مرحوم نائینی دارد دنبال می شود.و پس بنابراین بحث این است که اینجا آن بحثهایی که نمی دانم مخصص لبی است لفظی است متصل است منفصل است آن بحث ها را نباید دیگر پیش کشید یعنی این در واقع خود شهید صدر کأنه تفصیلاتی قائل شده است که اگر مخصص لبی باشد ما ببینیم در مخصص لبی می توانیم تمسک کنیم یا نمی توانیم متصل است منفصل است ما گفتیم اصلا مخصص لبّی و لفظی فرقی ندارند. فارق چیز دیگر است آن چیز را باید تحفیظ کنیم و آن این است که آیا به وسیله آن مخصص حکم عنوان می گیرد یا حکم

این معنای مخصص در اینجا این است آن چیزی که در فرض قطع از تحت دلیل خارج است. اصلا مخصص اینجا یعنی این. شما نگویید که پس اگر عنوان نمی گیرد چطور مخصص است. مخصص یعنی آن چیزی که اگر قطع داشته باشیم که این در یک جایی وجود دارد از تحت دلیل خارج است. بحث این است که این که از تحت دلیل خارج است با عنوان دادن به دلیل از تحت دلیل خارج شده است یا این که نه به نحو تخصیص افرادی خارج شده است. بحث این است در مواردی مثل قدرت که شارع تضمین نمی کند وجودش را در موارد یا به تعبیری دیگر در موارد عجز مخصص ما عجز است. که شارع عدم العجز را در مورد تضمین نمی کند. عدم العجز را تضمین نمی کند معنایش این است که عدم العجز قید موضوع است. یعنی شارع مقدس قید کرده است که شما این تکلیف را به شرطی که عاجز نباشید یعنی قادر باشید اتیان کنید. و کسی که قادر بودن و عاجز بودن را احراز می کند مکلّف است نه شارع مقدس. شارع مقدس کاری ندارد که آیا در موارد کجا عجز است و کجا قدرت است. تشخیص موارد عجز از قدرت به عهده مکلّف گذاشته شده است. این یعنی چه؟ یعنی قید خوردن دلیل. دلیل مقیّد شده است به قدرت. وقتی دلیل مقیّد شده است به قدرت ما در واقع ما حصل این مطلب این می شود در ما نحن فیه که شارع مقدس گفته است که اینجا شما می توانید اصل ترخیصیه در کلی الطرفین اجرا کنید به شرطی که قدرت بر مخالفت قطعیه در کلی الطرفین داشته باشید. اگر قدرت بر مخالفت قطعیه نداشته باشید اصل ترخیصی هم جاری نمی شود. بنابراین من شک دارم که آیا قدرت بر امتثال دارم یا ندارم. این بنابراین تمسک به عام در شبهه مصداقیه ای است که نمی شود به آن تمسک کرد. حالا لبی باشد یا لفظی باشد خیلی مهم نیست هر کدام باشد شبهه مصداقیه ای است که در آن به عام نمی شود تمسک کرد. پس بنابراین اصل ترخیصیه در موارد شک در محصوره بودن و غیر محصوره بودن جاری نمی شود وقتی جاری نشد باید احتیاط کرد. این نتیجه بحث تا اینجا.

سؤال: قدرتی که روشن بود شارع ضمانت نکرده است قدرت نسبت به امتثال همان حکم بود. اما اینجا ترخیص قیدش قدرت بر مخالفت قطعیه یک حکم دیگر است. این بحثی که یک واسطه ای می خواهد

پاسخ: نه شارع نسبت به این هم تضمین نمی کند

سؤال: خب اینجا قدرت و عجز

پاسخ :اصلا شارع تضمین قدرت و عدم قدرت نمی کند. چه قدرت نسبت به این تکلیف چه قدرت نسبت به مجموع

سؤال: تخصیص به نکته این است که شارع در سلسله علل مخالفت قطعیه قرار گرفته است یا خیر.

پاسخ: نه این به اینجا بر می گردد که آیا شارع می خواهد بگوید که شما قدرت بر مخالفت قطعیه دارید یا خیر؟

سؤال: خب نمی خواهد بگوید ولی موضوع که آن نیست

پاسخ: چون نمی خواهد بگوید در فرضی که من قدرت نداشته باشم حکم شاملش نمی شود

قهرا مقید باید بشود. از یک طرف شارع ما می دانیم مواردی که قدرت بر کلی الطرفین هست حکم ندارد. شارع هم تضمین نمی کند که در موارد کجا این قدرت بر مخالفت قطعیه است کجا نیست

سؤال: به خاطر یک نکته ای است که آنجا تکلیف نداده است

پاسخ: آن مهم نیست. هر چه می خواهد باشد. توجه کنید بحث سر این است که آیا شارع مقدس تضمین می کند که اینجا مخالفت قطعیه در کلی الطرفین مقدور است؟ نه! خب معنایش این است که در موارد غیر مقدور از تحت دلیل خارج است

سؤال: عدم مناقضه را تضمین کرده است

پاسخ: نه آن تضمین نکرده است. مناقضه به اینجا بر می گردد. نه نه نکته اش این است.

سؤال: به این نکته که استثنا نشده است

پاسخ: نه بحث مناقضه و اینها را چرا بحث می کنید. ما بحث شهید صدرا را که نمی خواهیم دنبال کنیم. روی مبنای آقای نائینی داریم بحث می کنیم

سؤال: ما می گوییم مبنای آقای نائینی هم یک نکته ای دارد که عدم مقدوریت

پاسخ: به خاطر این که علتش این است که شیئی که غیر مقدور است حکم ندارد. همین است نکته اش. همه جاها در تکلیف قدرت شرط است

سؤال: لغویت ترخیص نکته اش است.

پاسخ: بله

سؤال: اگر لغویت بشد نسبت به لغویت شارع ضامن شده است

پاسخ: یعنی ضامن است که اینجا لغویت وجود دارد یا خیر؟ نه !

نه نه این طور نیست لغویت به خاطر قدرت است.

سؤال: آن جایی که قدرت است چرا جاری نشود؟

پاسخ: به دلیل این که شرط تکلیف قدرت است.

سؤال: در جایی که قدرت هست بر مخالفت قطعیه اصل جاری نمی شود. به چه نکته ای اصل جاری نمی شود؟

پاسخ: به دلیل این که معارض هست و نمی دانم امثال اینها.

نه نشد آن مهم نیست بحث سر این است که نمی دانم ترجیح بلا مرجّح است و ترخیص در مخالفت قطعیه پیش می آید و آن حرف ها. بحث سر این است شارع مقدس نمی خواهد بگوید آیا ترخیص در مخالفت قطعیه هست یا نیست. تضمین نسبت به این نمی کند. چون این ناشی از این است که قدرت د ارم یا خیر. نکته اصلی این است. شارع مقدس وقتی مواردی که من قدرت بر مخالفت قطعیه ندارم را دلیل ترخیصیه در موردش جاری نمی کند

سؤال:

پاسخ: ان طرفش را می گویم وقتی که قدرت ندارم دلیل ترخیصیه را جاری نمی کند معنایش این است که دلیل ترخیصیه نسبت به عدم او قید است دیگر.

سؤآل: وقتی قدرت نداریم یعنی در یکی جاری می شود؟!!

پاسخ: وقتی قدرت نداریم بر

این معنای قدرت نداشتن این است که شارع مقدس

نه اشکالی ندارد ترخیص بدهد. یعنی در واقع شرط ترخیص در شرط اصول ترخیصیه قدرت نداشتن بر

بله خب بحث همین است. حالا خودتان دیگر الفاظش را درست کنید!

این بحث تا اینجا. آقای

سؤال: ... بر ارتکاز مناقضه تقریب شما عوض می شود غیر از قدرت می شود؟

پاسخ: حالا بحث ارتکاز مناقضه را کنار بگذارید بحث روی همین مقدار بحثش باشد خب آقای صدر تا اینجا پس نتیجه بحث ما تا اینجا این است که ما وقتی شک می کنیمن که آیا اینجا اصل عملی جاری می شود یا نمی شود اینجا در واقع شک داریم در اجرای اصل عملی و عدم اجرای اصل عملی و قانونی نداریم که شک ما را برطرف کند. بنابراین نمی توانیم به اصول ترخیصیه تمسک کنیم.

خب آقای صدر اینجا می خواهند یک تقریب دیگری ذکر کنند که بگویند نه در اینجا ما بتوانیم به اصول ترخیصیه تمسک کنیم. که در واقع ماحصل بیانشان این است حالا وقت گذشته است عنوان بحثش را بدهم توضیحش را

دو تا بیان دارند که هر دو بیان به اینجا می انجامد که عنوانی که دلیل ترخیصی ما به او مقید شده است عدم استلزام نسبت به مخالفت قطعیه

یعنی آن موردی که از تحت دلیل اصل خارج شده است مطلق جاهایی که مستلزم ترخیص در مخالفت قطعیه هست نیست آن که از تحت دلیل خارج شده است موارد علم به استلزام نسبت به ترخیص در مخالفت قطعیه نیست. و موارد شک داخل در ادله ترخیصیه باقی می ماند. تقریبی که اینجا ایشان می خواهند بکنند این است که نه اینجا موارد علم تنها علم به کأنّه اگر علم داشتیم که ترخیص در مخالفت قطعیه است که موارد شبهه محصوره ایان طوری است. که علم داریم که ترخیص در مخالفت قطعیه است. آن از تحت ادله مرخصه خارج است. ولی اگر علم نداشته باشیم ادله مرخصه جاری است. اینجا علم دخالت دارد. دو تا تقریب ذکر می کنند حالا من تقریب اولش را وارد نمی شود تقریب دومش را ملاحظه فرمایید آقای هاشمی هم نسبت به تقریب دوم یک اشکال و جوابی می دهد که در کلام آقای صدر هم هست که آن را وارد نمی شوم یک اشکالی هم آقای هاشمی اینجا به تقریب آقای صدر دارد که این اشکال اصل تقریب آقای صدر و اشکال آقای هاشمی ر انشاء الله فردا مطرح می کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد